

دکتر میرزا ملا احمد - تاجیکستان

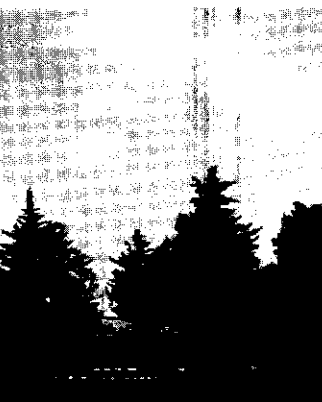
ابوعلی ابن سینا از زمره آن دانشمندان بزرگ عالم است که با آثار پربهای فراوان خود در پیشرفت علم و تمدن جهان سهم ارزنده داشته‌اند. آثار ابن سینا قرن‌هاست که به دردهای معنوی و جسمانی بشر شفا می‌بخشد، زیرا در مرکز همه آنها انسان و عنایت به آن قرار دارد. اگر در آثار طبی ابن سینا سلامتی انسان و راه‌های جلوگیری، تشخیص و معالجه کل امراض در مد نظر بوده، در آثار ریاضی و فیزیک، شیمی و معدن‌شناسی و سایر علوم طبیعی، مسایل به سازی محیط و بهزیستی انسان مطرح شده است. و در آثار فلسفی او عالم معنوی انسان و نیازهای اجتماعی و اخلاقی آن بررسی شده‌اند که نکته‌های مهم آنها در آثار منظومش بازتاب یافته‌اند. هر چند ابن سینا شاعر حرفه‌ای نبوده و آثار چندان منظومی نیافریده است ولی او چون هم‌پیشه و هم مسلک خود، حکیم عمر خیام در پیشرفت ادبیات فارسی، به خصوص بیان معانی و نکته‌های فلسفی و اخلاقی در شعر و رشد نوع شیوای رباعی سهم بسزایی داشته است. از آثار منظوم او تا امروز تقریباً ۱۲۰ بیت شعر فارسی و ۱۸۰ بیت قصاید و قطعات عربی باقی مانده‌اند.

بزرگداشت مقام انسان، رازهای هستی، معمای وجود، تشکل و تکامل معنوی، بهداشت جسمانی و روانی او از جمله نکته‌های فلسفی و اخلاقی

بزرگداشت انسان

در آثار منظوم

ابوعلی سینا



آثار منظوم ابن سینا محسوب می‌شوند که بیشتر در قالب رباعی ارایه یافته‌اند.

وقت آن رسیده است که آثار منظوم ابن سینا با روش‌های تازه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و قبل از همه اصالت و منسوبیت آنها تعیین می‌شود. سپس ارزش‌های معنوی و اخلاقی آنها در رابطه با آثار علمی و فلسفی ابن دانشمند بزرگ بررسی شده؛ در این زمینه مقام انسان از نگاه او معین شود.

دانشمند بزرگ، ابوعلی ابن سینا، تمام نیرو و هستی خویش را صرف خدمت به انسان کرده است. او به تحقیق هر علم یا موضوعی که می‌پرداخت همیشه انسان را در مدنظر داشت. برای مثال وقتی که او به علم طب روی می‌آورد و مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر این علم یعنی «قانون در طب» را تألیف می‌کند آن را با جمله ذیل آغاز کرده و رسالت علم طب را در خدمت به انسان می‌داند: «به درستی علم طب علمی است که از آن حالت‌های تن انسان را از جهت سالم و ناسالم بودن آن بشناسد تا که تندرستی اندر حال بدن نگاه داشته شود.»^۱

در آثار فلسفی و اخلاقی نیز، ابن سینا به تربیت معنوی انسان توجه زیادی کرده و خودشناسی را از وسایل مهم تشکل و پیشرفت انسان می‌داند. ابن سینا کل خلق و خصلت‌های انسان را به دو گروه فضایل یعنی خصلت‌های نیک و رذایل و خصلت‌های زشت تقسیم می‌کند و قبول آنها را در انسان به محیط و تربیت مربوط می‌داند. او برخلاف ادیبان و حکیمان دیگر نظیر فردوسی و سعدی که خصلت‌های مذکور را ازلی و ارثی می‌دانستند به نقش انسان در قبول یا تردید در خصلت‌های نیک و بد اعتماد و اعتقاد بیشتر دارد.

انسان از نگاه ابن سینا می‌تواند در هر مورد خصلت‌های نیک را بپذیرد و خصلت‌های بد و رذایل را تا زمانی که عادت نشده است، ترک کند. در حالی که از نظر اکثر ادیبان و حکیمان پارسی و تاجیک تربیت بد، اصل امکان‌ناپذیر است.^۲ ولی ابن سینا در «رساله اخلاقی» تأکید می‌کند که انسان توسط خودشناسی می‌تواند فضایل را رشد داده؛ رذایل را از خود دور سازد.^۳

در رساله «تدبیر منازل» که به حکمت عملی اختصاص دارد، ابن سینا تأیید می‌کند که تربیت طفل را هنگام از سینه مادر جدا کردن طفل، باید شروع کرد یعنی از زمانی که طفل به خصلت‌های زشت آشنا نشده است. او تربیت نیکی و نکوکاری را از ابتدا ضروری می‌شمارد.

این اندیشه‌ها که جوهر نظر اخلاقی ابن سینا را تشکیل می‌دهد به آثار منظوم او نیز اثر گذاشته، توسط کلام ساده و فصیح، تصویرهای شیوا و رنگین بازتاب یافته‌اند.

قبل از آن که به بررسی اشعار باقی مانده، ابوعلی سینا پرداخته شود، ضروری است به مسأله منسوبیت اشعار به او نیز رجوعی به عمل آید. زیرا چند شعری که به ابن سینا نسبت داده می‌شود ممن است از آن شعرای دیگر باشد.

به طوری که معلوم است از آثار منظوم ابن سینا، نسخه خطی‌ای که در زمان او یا نزدیک به زمانش کتابت شده باشد تا امروز نرسیده است. در منابع، تا قرن ۱۵ میلادی نیز اشعار ابن سینا خیلی کم به نظر می‌رسد. بنابراین به طور قطعی به او نسبت دادن بعضی شعرها درست نیست. هر چند این مسأله توجه دانشمندانی را نظیر «ای. برتلس»، «سیدصادق گوهرین» و «شریف» جلب کرده است ولی تا حال آنقدر عمیق و همه جانبه تحقیق نشده است. محققان مذکور در تردید بعضی رباعی‌های منسوب به ابن سینا، مضمون، محتوا و ارزش هنری یا خود فصاحت و بلاغت بیان را معیار اساسی قرار داده‌اند. از جمله ای. برتلس تأکید می‌کند که

«موضوع اساسی همه این رباعی‌ها اعتراف ناتوانی خرد انسان در مقابل اسرار طبیعت است.

برای ابن سینا خرد انسان حدی ندارد، از طریق تفکر منطقی همه چیز را، حتی ماهیت خداوند را می‌توان درک کرد.»^۴

اولاً درست است که در آثار هر شاعر، موضوع و مطالب خاصی مقام اساسی دارند، ولی شعر، زاده حالات گوناگون روانی شاعر است و در اشعار شاعران مطالب متضاد را می‌توان مشاهده کرد. ثانیاً در رباعی مشهور «از قعر گل سیا تا اوج زحل» که منسوبیت آن را به «ابن سینا» کسی رد نکرده است و بعدتر آن را مورد تحلیل قرار خواهیم

داد، ناتوانی خرد انسان در مقابل مرگ تأیید شده است.

«م. شریف» و «سید صادق گوهرین» سستی بعضی شعرها را از لحاظ بدیعی دلیل آن می‌دانند که این شعرها از آن ابن سینا نیستند. به نظر ما آثار بدیعی ابن سینا و همچنین رباعیات عمر خیام را نباید از راه معیارهای فصاحت و بلاغت ارزیابی کرد. زیرا آنان یعنی رودکی، فردوسی، فرخی و عنصری شاعران حرفه‌ای نبودند و هدفشان از تألیف چند شعر اساساً بیان اندیشه یا نکته فلسفی و حتی علمی بوده است که ارایه آنها در آثار علمی شان تاروا، ناجا و یا غیرامکان بوده است. بنابراین به جای فصاحت و ملاحظت باید به علت تألیف اشعار آنان توجه کرد. برای مثال رباعی زیرین که در «روضه الجنان» به ابن سینا نسبت داده شده است، در واقع از اوست. زیرا محتوای آن از مطالب علمی عبارت است، هرچند از لحاظ سبک و زبان خیلی سست و درشت بوده، ملاحظت و فصاحتی ندارد و روشن است که آن را نه شاعر حرفه‌ای بلکه عالمی گفته است:

«سمع و بصر است و ذوق است و ماس،

مجموع حواس ظاهری، ای معجز ناس

پس مشترک، مخیله، فکرت و وهم -

با حافظه‌دان تو پنج باطن زحواس»

انسانی که ابن سینا در اشعارش ستوده است، انسان مشخص زمان است هر چند به نام و اعمال آن چون در مدیحه‌های قصیده سرایان دور اشاره‌ای نشده است. در قطعه‌ای او با تأسف یادآور می‌شود که در زمانه او آدمیان نیک به خصوص اشخاص سخاوتمند کم پیدا می‌شوند و آدمیان بد زیاده‌تر:

«هزار شخص کریم از وجود شود به عدم

که یک کریم نمی‌آید از عدم به وجود»

انسانی که در اشعار ابن سینا تصویر شده است، اکثراً با خود او عینیت و همانندی دارد و اندیشه و احساسات او را ارایه می‌کند. از جمله رباعی مشهور ابن سینا که در واقع مرام نامه اوست، بازگوی فداکاری‌های علمی او در راه خدمت به مردم می‌باشد:

«از قعر گل سیاه تا اوج زحل

کردم همه مشکلات گیتی را حل



بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل
هر بند گشاده شد، مگر بند اجل»

از نگاه ابن سینا در راه خدمت به مردم انسان باید نیروی خود را دریغ ندارد، پاینده
منافع محدود خود نباشد. تنها در این صورت او می تواند کامیاب و موفق باشد:

«و گر ز هستی خود بگذری، یقین می دان
که عرش و فرش فلک زیر پا توانی کرد»^۸

خودشناسی از رکن های اساسی تشکل و تکامل انسان است. انسان با خودشناسی و
خودآگاهی و تعیین هدف و مرام در زندگی می تواند خوشبخت و آسوده باشد:

«از کاش، بدانمی که من کیستمی
سرگشته بعالم از پی چیستمی
گر مقبلم به آسوده و خوش زیستمی
ورنه به هزار دیده بگریستمی»^۹

ابن سینا در رساله «تدبیر منازل» نیز خودشناسی و اداره نفس را از شرط های اولین
پیشرفت انسان دانسته و تأکید می کند: «نخستین سیاستی که سزاوار است انسان
با آن آغاز کند، همانا سیاست نفس خود است. یعنی اول باید در اصلاح نفس
خود بکوشد، سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برده، خویشتن



را صالح و نیکو بنماید.»^{۱۰}

مهم ترین خصلت حمیده انسان ابن سینا، نیکوی و نیکوکاری است. انسان در زندگی باید از خود همیشه آثار
نیک باقی گذارد. آمدن و رفتن چه سود، بی هدف گذراندن وقت، مشغول شدن به کارهای ناشایسته حاصلی
جز ندامت و پشیمانی نیست:

روزی چند در جهان بودم
بر سر خاک و باد پیمودم
ساعتی لطف و لحظه بی در قهر
جان پاکیزه را بیاسودم...
با هواهای حرص شیطانی
ساعتی شادمانه بغنودم...
کس نداند که من کجا رفتم.
خود ندانم که من کجا بودم!!

ابن سینا در اشعارش به مسأله دوستی توجه زیاد ظاهر کرده و ضرورت آن را در حیات انسان تأکید کرده است. در این
موضوع او به زبان عربی قصیده ای نوشته و اثر فلسفی خود «رساله الطیر» را با وصف و شرح دوستی آغاز کرده است.
زندگی انسان را او بی دوست و دوستی تصور نمی کند. پیشرفت شخص، صاحب آبرو و عزت گشتن او به دوست نیک
نیز مربوط است. از این رو انسان باید همیشه سعی کند که با آدمان نیکه رشته دوستی ببیند زیرا نه هر کس شایسته
دوستی است به خصوص با آدمان بداصل و بدگهر دوستی کردن باعث ریختن آبروی کس خواهد شد:

«با هر خسی ز روی هوی دوستی مدار
با هر کس ز ساده دلی راز خود مگوی
با مردم مزور بداصل بدگهر
در گوی مردمی ز بی دوستی مپوی»^{۱۲}

ابن سینا به نقش محیط و جامعه در تربیت انسان اعتماد داشته تأثیر هم نشین بد را به انسان نیک تأکید می کند:

«بگذر از بند مجاز و دور گرد از دام حس
هر که با دونان نشیند همت او دون شود.»^{۱۳}

ابن سینا در آیین دوستی با احتیاط بودن را ضروری می داند. او حتی هم نشینی با دوستانی را که با دشمنان
رابطه خوب دارند، ناروا می داند:



«با دشمن من چو دوست بسیار نشست

با دوست نشایدم دگر بار نشست

پرهیز از آن شکر که با زهر آمیخت

بگریز از آن مگس که بر مار نشست»^{۱۴}

در قطعات خود، ابن سینا یک عده از خصلت‌های زشت را از قبیل حسد، دروغ، نیاز و خسیسی، سفلیگی و ضعیفی که در آثار فلسفی اش آنها را ردایل نامیده است، برای تشکل انسان مضر دانسته، در این دنیای فانی هر چه زودتر از آنها رها شدن را ضروری می‌شمارد:

«حرام است ده چیز بر رادمرد^{۱۵}

کز آن شش بود مرد آزاده فرد

حسد بردن و سفلیگی و دروغ

نمودن نیاز و ضعیفی و درد...»^{۱۶}

در غزل ذیل ابن سینا دل نیستن به مال دنیا، دور شدن از حرص و هوس را تلقی کرده، انسان را به رهایی از عالم محدود هوی و هوس‌های خود دعوت می‌کند:

«اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد

نشاط و عیش به دار بقا توانی کرد...»

ز منزلت هوس گر برون نهی گامی

نزول در حرم کبریا توانی کرد...»^{۱۷}

در شعر مذکور مثل اشعار دیگر ابن سینا، باور انسان به قدرت و توانایی آن که قادر است عرش فلک‌ها را زیر پا کرده قلعه‌های دست نارس را فتح کند بیان شده است.

ابن سینا در اشعار عربی خود نیز، انسان نکوکار و خردمند را ارج گذاشته او را از آدم ثروتمند بی‌خرد، اولی‌تر می‌داند. او سخاوتمندی و همت بلندی، دانایی و خردمندی، شجاعت و هنرمندی را ستایش کرده، خسیسی، نادانی، جاهلی و خصلت‌های بد را مذمت می‌نماید.^{۱۸}

اندیشه‌های بشر دوستی ابن سینا نه تنها بر ادیبان و دانشمندان شرق تأثیر عمیق گذاشته است بلکه مورد قبول فلاسفه معروف غرب چون «فوما ای اکوینی»، «روجر بی کان»، «سیگری بر اباتی»، «گوند سالوی»، «پتر اسپانی»، «اوربی» و... قرار گرفته است. بی‌سبب نیست که دانته در اثر معروف خود «کمندی الهی»، ابن سینا را در ردیف ارسطو و سقراط، افلاطون و دیوگن، اوکلید و پتولمی، بقراط و گلین گذاشته است.

آثار علمی و ادبی ابن سینا که هدف اساسی آنها خدمت به انسان است، امروز هم دردهای جسمانی و معنوی بشر را شفا می‌بخشند. از این رو ضروری است که این آثار همه‌جانبه، تحقیق و بررسی شده و ارزش‌های علمی و اخلاقی آنها منظور عالیمان گردد.

پی نوشت‌ها:

- ۱- ابوعلی ابن سینا، قانون طب، از عربی ترجمه سید نورالدین شهاب‌الدین اف، کتاب اول، دوشنبه، ۱۹۸۹، ص ۳۴.
- ۲- در این باره رجوع شود: میرزا ملا احمد، پیام اخلاقی فردوسی، دوشنبه، ۲۰۰۳، صص ۳۶-۲۶.
- ۳- ابن سینا، رساله اخلاق، منتخبات در دو مجله، ترجمه و توضیحات به زبان روسی از س. سلیمانی، تحت نظر دکتر غلامحسین زاده، عشق‌آباد، ۲۰۰۳، ص ۱۷۱.

- ۴- ای. ابرتلس. تاریخ ادبیات- تاجیک، مسکو، جلد اول، ۱۹۶۰، ص ۱۷۸ (به زبان روسی).
- ۵- ابوعلی ابن سینا، اوج زحل، دوشنبه، ۱۹۸۰، ص ۷۰.
- ۶- همان، ص ۲۸
- ۷- همان، ص ۳۷
- ۸- همان، ص ۱۹
- ۹- همان، ص ۳۶
- ۱۰- ابوعلی ابن سینا، آثار منتخب، جلد دوم، دوشنبه، ۱۹۸۰، ص ۱۶
- ۱۱- ابوعلی ابن سینا، اوج زحل، ص ۲۲

- ۱۲- همان، ص ۱۷
- ۱۳- همان، ص ۳۰
- ۱۴- همان، ص ۴۵
- ۱۵- این شعر در مجموعه «اوج زحل» در بخش «غزلیات» جای داده شده است که به نظر ما درست نیست. زیرا آن هم از لحاظ موضوع و محتوی و هم از روی سبک و طرز بیان پاسخ‌گوی طلبات نوع قطعه است.
- ۱۶- ابوعلی ابن سینا، اوج زحل، ص ۲۱
- ۱۷- همان، ص ۱۷
- ۱۸- همان، ص ۱۲۸-۸۹

